

بررسی نظریه ابن تیمیّه در انکار شاگردی ابن عباس نزد امام علی علیه السلام، و نقد آن با تکیه بر منابع اهل سنت^۱

دکتر محسن رفیعی^۲

دکتر معصومه شریفی^۳

چکیده

مرجعیت علمی امام علی علیه السلام، از جمله مسائل مطرح در جامعه اسلامی پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بوده است، به گونه‌ای که از دیرباز، اذهان بسیاری از محدثان، مفسران، متکلمان، فقیهان و تاریخ‌نگاران را به خود معطوف نموده است. برجستگی علم امام علی علیه السلام تا به اندازه‌ای بوده که بزرگانی از صحابه هم‌چون ابن عباس - که خود، مشهور به «حبر الأُمّة»، «بحر»، «ترجمان القرآن»، «رئیس المفسّرين» و «فقیه العصر» است - از تربیت یافتگان آن حضرت بوده و به شاگردی خویش، افتخار کرده‌اند.

ابن تیمیّه، رابطه شاگردی و استادی را میان ابن عباس و امام علی علیه السلام انکار می‌کند. این در حالی است که بنا به اعتراف منابع اهل سنت، ابن عباس همواره تصریح کرده که سرچشمه دانش وی در تفسیر، امام علی علیه السلام بوده و آن حضرت را برترین استاد خویش پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم معرفی کرده است.

ابن تیمیّه، در رویارویی با اهل بیت علیهم السلام، با اهدافی هم‌چون مرجعیت‌زدایی از ایشان و مرجعیت‌سازی برای دیگران، همواره روش تکذیب، تضعیف و توجیه در پیش گرفته، بسیاری از

۱- تاریخ ورود: ۱۳۸۹/۱۲/۱۰؛ تاریخ تأیید: ۱۳۹۰/۵/۱۴.

۲- عضو هیأت علمی مجتمع آموزش عالی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم (تربیت معلّم آیت الله طالقانی رحمته الله علیه - قم).

۳- عضو هیأت علمی مجتمع آموزش عالی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم (تربیت معلّم حضرت معصومه علیها السلام - قم).

حقایق مسلم روایی و تاریخی را نادیده گرفته است. دیدگاه وی در انکار شاگردی ابن عباس نزد امام علی علیه السلام، به دلیل تعارض با این حقایق، پذیرفتنی نبوده و قابل نقد می‌باشد. واژگان کلیدی: مرجعیت علمی، امام علی علیه السلام، ابن عباس، ابن تیمیه، اهل سنت.

بیان مسئله

مسئله مرجعیت - به طور عام - و مرجعیت علمی امام علی علیه السلام - به طور خاص - در میان امت پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از دیرباز از جمله مسائل مطرح در میان مسلمانان بوده و آذهان محدثان، مفسران، متکلمان، فقیهان و تاریخ‌نگاران را به خود معطوف داشته است. بسیاری از مسلمانان، امیر مؤمنان امام علی علیه السلام را شاگرد اول مکتب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و آگاه‌ترین فرد به سنت آن حضرت و فقه و تفسیر و قضاوت دانسته‌اند، ولی افرادی چون ابن تیمیه، مرجعیت علمی امام علیه السلام را قبول ندارند و شاگردی صحابه‌هایی چون ابن عباس را در زمینه‌های تفسیر و فقه در نزد آن حضرت، انکار می‌کنند.

مسئله مرجعیت علمی امام علی علیه السلام را از زوایای گوناگون می‌توان بررسی کرد. این نوشتار، تنها عهده‌دار بررسی و نقد نظریه ابن تیمیه در انکار شاگردی ابن عباس نزد امام علی علیه السلام، البته با تکیه بر منابع اهل سنت و دیدگاه سنّیان در این باره است. شرط موفقیت در تبیین این مسئله، آن است که معلوم شود آیا ابن عباس نزد امام علی علیه السلام شاگردی کرده است یا نه؟ منابع اهل سنت در این باره چه می‌گویند؟ نظریه ابن تیمیه در این باره، تا چه اندازه با واقعیت، مطابقت دارد؟ و نقدهای وارد بر ابن تیمیه چیست؟

پاسخ مثبت یا منفی به پرسش‌های یاد شده، افزون بر این که میزان درستی یا نادرستی نظریه ابن تیمیه را هویدا می‌سازد، گوشه‌ای از جایگاه امام علی علیه السلام را نیز در مرجعیت علمی امت پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روشن خواهد کرد.

سیری در دیدگاه ابن تیمیه

ابن تیمیه، افزون بر این که نمی‌پذیرد مالک با چند واسطه نزد ابن عباس، و ابن عباس نزد امیر مؤمنان امام علی علیه السلام شاگردی کرده باشد، این گونه می‌نویسد: «و این سخن که ابن عباس شاگرد علی است، باطل است. روایت ابن عباس از علی اندک است و بیشترین دریافت‌های او از عمر و زید بن ثابت و ابوهیره و سایر صحابه است. وی به قول ابوبکر و عمر، فتوا می‌داد و در برخی از مسائل، با علی منازعه داشت.» (ابن تیمیه حرانی، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۲۲۵).

همچنین ابن تیمیّه، نمی‌پذیرد که علم تفسیر از امام علی علیه السلام جوشش گرفته است. وی دربارهٔ این که ابن عباس، شاگرد امام علی بوده و گفته «حدَّثنی أمير المؤمنين فی تفسیر الباء من بسم الله الرحمن الرحيم من أوّل اللیل إلى آخره» می‌نویسد: «به مجرد نقل منقولات در کتاب‌ها، جوازی برای استدلال به آن نیست با این که در آن چیزهای بسیار از کذب هست و ثانیاً گفته می‌شود که حدیث‌شناسان می‌دانند که این دروغ است. همانا این اثری که از ابن عباس نقل شده، دروغ بر او است و اسنادی که شناخته شود ندارد... و همین ابن عباس، بسیار از او در تفسیر با اُسانید ثابت نقل شده و در هیچ یک از آنها نامی از علی نیست. ابن عباس از عمر، أبوهیره، عبدالرحمن بن عوف، زید بن ثابت، أبی بن کعب، أُسامه بن زید و ... روایت‌ها نقل کرده و روایتش از علی بسیار اندک است» (پیشین، ص ۲۴۱ و ۲۴۲).

بررسی و نقد نظریهٔ ابن تیمیّه

نگاهی گذرا بر دیدگاه ابن تیمیّه، روشن نمود که وی اصرار دارد رابطهٔ شاگردی و استادی میان ابن عباس و امیر مؤمنان امام علی علیه السلام را انکار نماید و حتی وی را در منازعه با آن حضرت نشان دهد. برای روشن شدن این مسئله، ابتدا نیم‌نگاهی به دیدگاه ابن تیمیّه دربارهٔ اهل بیت علیهم السلام - به ویژه امام علی علیه السلام - انداخته، سپس به بررسی و نقد نظریهٔ وی مبنی بر انکار شاگردی ابن عباس نزد امام علی علیه السلام، با تکیه بر منابع اهل سنت، می‌پردازیم.

از جمله کسانی که بر خلاف قاطبهٔ مسلمانان، دشمنی‌های سرسخت با اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم داشته - و به همین دلیل، قرن‌ها است مورد توجه ویژهٔ وهابیان قرار گرفته، ارزشی فراوان نزد آنان یافته و افکارشان از وی سرچشمه می‌گیرد - تقی‌الدین أحمد بن عبدالحلیم حرّانی دمشقی حنبلی، معروف به «ابن تیمیّه» است.

از ویژگی‌های ابن تیمیّه، دشمنی با اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است. وی با تکذیب یا تضعیف یا توجیه روایات، ادعای اجماعات وهمی، انکار حقایق مسلم تاریخی، نسبت دادن دروغ به مخالفان خویش، نسبت دادن دروغ به اهل بیت علیهم السلام و دفاع از مخالفان اهل بیت علیهم السلام، تلاش می‌کند جایگاه فرازمند ایشان را در قرآن و نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و مسلمانان، نادیده گرفته و آن را تنزّل بدهد. بر همین اساس، وی هر آن چه را که مربوط به تفضیل اهل بیت علیهم السلام می‌باشد، سخاوتمندانه ریشه‌کن می‌کند.

بیشترین هجمه‌ها را ابن تیمیّه در کتاب «منهاج السنّة النبویّة فی نقض کلام الشیعة و القدیریّة» دارد که در پاسخ به کتاب «منهاج الکرامه فی معرفه الإمامه» اثر علامه حسن بن یوسف بن مطهر حلّی (۶۴۸-۷۲۶ ق) نگاشته است. شاید بتوان گفت که تنها با مطالعه کتاب «منهاج السنّة»، به خوبی می‌توان به منطق، فرهنگ، اعتقاد، فقه و روش وی با منابع تشریع اسلامی و تاریخی نویسنده‌اش پی برد. وی کتاب را با هدفی خاص نگاشته است.

او انبوهی از خبرهای مستند و معتبر در منابع اهل سنّت را بدون دلیل نمی‌پذیرد و - سخاوتمندانه آنها را تضعیف، تکذیب و توجیه می‌کند؛ برای نمونه، وی آیه «تطهیر» و شأن نزول آن را توجیه می‌کند (پیشین، ص ۳۱-۳۸؛ نیز ر.ک: محمد بن عبدالوهاب، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۶۳ و ۶۴)؛ نزول آیه «مباهله» را در خصوص اهل بیت (علیهم‌السلام) نمی‌پذیرد (ابن تیمیّه حرانی، پیشین، ج ۴، ص ۵۲-۵۵)؛ حدیث «ثقلین» را تضعیف و توجیه می‌کند (پیشین، ج ۴، ص ۱۶۵)؛ حدیث «سفینه» را تضعیف نموده و ادعا می‌کند که هیچ اسناد صحیحی برای آن شناخته نمی‌شود (پیشین، ص ۱۶۵ و ۱۶۶)؛ حدیث «باب» را تکذیب می‌کند (پیشین، ص ۲۱۶ و ۲۱۷)؛ حدیث «أفضاکم علی» را تضعیف می‌کند (پیشین، ص ۲۱۶-۲۵۲)؛ حدیث «سلونی» را توجیه می‌کند (پیشین، ص ۲۴۸-۲۵۰)؛ ماجرای مشهور «مجنونه» (پیشین، ج ۳، ص ۲۲۱-۲۲۳) و «زنی که شش ماهه زاییده بود» (پیشین، ص ۲۳۸ و ۲۳۹) و رجم آنها توسط عمر را توجیه می‌کند و برای این سخن خلیفه دوم: «لو لا علی لهلک عمر» - که بارها در پی قضاوت‌های شگفت امام علی (علیه‌السلام) به زبان آورده است - توجیه‌های بدتر می‌آورد. (پیشین، ص ۲۲۱-۲۲۳ و ۲۳۹).

ابن تیمیّه در میان مسلمانان، مخالفان بسیار دارد و نقدهای فراوان بر او وارد شده است.^۱ بررسی‌های بیشتر و ژرف‌تر درباره چپستی، چرایی و چگونگی افکار ابن تیمیّه، مجال دیگری می‌طلبد و

۱- برای آگاهی بیشتر از افکار و عقاید ابن تیمیّه و نقدهای وارد بر وی، ر.ک: کاشف الغطاء، محمدحسین، نقض فتاوی الوهابیّه؛ دحلان، أحمد بن زینی، فتنة الوهابیّه؛ محمدعلی، سید عبدالله، معجم ما ألفه علماء الأئمة الإسلامیّة ضد الوهابیّة؛ الکثیری، السید محمد، السلفیّة بین أهل السنّة و الإمامیّة؛ عبدالسلام، عمر، مخالفة الوهابیّة للقرآن و السنّة؛ حلمی بن سعید اسلامبولی، حسین، علماء المسلمین و الوهابیون؛ زیندی، عبدالرحمن بن زید، السلفیّة و قضایا العصر؛ بلاغی، محمدجواد، الردّ علی الوهابیّة؛ کاردان، غلامحسین، الردّ علی شبهات الوهابیّه؛ کورانی، علی، الوهابیّة و التوحید؛ رضوی، سید مرتضی، صفحة عن آل سعود الوهابیین و آراء علماء السنّة فی الوهابیّة؛ حسینی میلانی، سید علی، دراسات فی منهاج السنّة لمعرفة ابن تیمیّه؛ حسینی میلانی، سید علی، ابن تیمیّه و إمامة علی (علیه‌السلام)؛ سنقری، محمدعلی، الوهابیون و البیوت المرفوعة؛ عبدالحمید، صائب، ←

از عهده این نوشتار خارج است. اکنون باید دید منابع اهل سنت درباره ابن عباس و رابطه شاگردی او با امام علی (ع) چه می‌گویند، تا از این مسیر، به میزان درستی یا نادرستی نظریه ابن تیمیه دست یابیم.

ابن عباس و جایگاه علمی امام علی (ع)

عبدالله بن عباس بن عبدالمطلب قرشی هاشمی، صحابی گرانقدر و پسر عموی رسول خدا (ص) است. مشهور است که آن حضرت (ص) درباره اش این گونه دعا کرده: «اللهم فقهه فی الدین و علمه التأویل؛ خداوند! در دین، فقیهش گردان و تأویلش بیاموز»^۱.

→ ابن تیمیه فی صورته الحقیقیه؛ طاهری خرم آبادی، سید حسن، پاسخ شبهات وهابیت؛ سقاف، حسن بن علی، سلفی گری وهابی؛ قزوینی، سید محمدحسن، فرقه وهابی و پاسخ به شبهات آنها؛ موسوی قزوینی، سید حسن، نقدی بر اندیشه وهابیان؛ حسن بن فرحان مالکی، مبلغ، نه پیامبر (قرائتی انتقادی بر مسلک شیخ محمد بن عبدالوهاب)؛ اسلامی، حسن، چهره حقیقی ابن تیمیه پایه گذار افکار وهابیت؛ بوطی، محمد سعید رمضان، سلفیه بدعت یا مذهب (نقدی بر مبانی وهابیت)؛ میردامادی، سید حسن، جنایت وهابیت؛ امین، سید محسن، تاریخ و نقد وهابیت؛ سید علوی، سید ابراهیم، تاریخچه، نقد و بررسی وهابی ها؛ سبحانی، جعفر، وهابیت، مبانی فکر و کارنامه عملی؛ رضوانی، علی اصغر، ابن تیمیه، مؤسس افکار وهابیت؛ رضوانی، علی اصغر، شناخت سلفی ها (وهابیان)؛ رضوانی، علی اصغر، مبانی اعتقادی وهابیان؛ رضوانی، علی اصغر، سلفی گری (وهابیت) و پاسخ به شبهات.

۱- أحمد بن حنبل، بی تا، ج ۱، ص ۲۶۶ و ۳۱۴ و ۳۲۸ و ۳۳۵ (ابن عباس يقول: وضع رسول الله صلى الله عليه وسلم يده بين منكبى أو قال على منكبي فقال: «اللهم فقهه في الدين و علمه التأويل»); حاكم نیشابوری، ۱۴۰۶ق، ج ۳، ص ۵۳۴؛ هيثمي، ۱۴۰۸ق، ج ۹، ص ۲۷۶؛ ابن حجر، فتح الباری: ج ۱، ص ۱۵۵؛ ج ۷، ص ۷۸؛ ج ۱۱، ص ۱۱۶؛ ابن أبي شيبه، ۱۴۰۹ق، ج ۷، ص ۵۲۰؛ ابن راهويه، ۱۴۲۲ق، ج ۴، ص ۲۳۰؛ هيثمي، بی تا، ص ۳۰۱؛ ضحاک، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۲۸۷؛ ابن حبان، ۱۴۱۴ق، ج ۱۵، ص ۵۳۱؛ طبرانی لخمی، المعجم الصغير، ج ۱، ص ۱۹۷؛ همو، المعجم الأوسط: ج ۲، ص ۱۱۳؛ ج ۴، ص ۲۷۳؛ همو، المعجم الكبير: ج ۱۰، ص ۲۶۳؛ ج ۱۱، ص ۹۱؛ ج ۱۲، ص ۵۵؛ نووی، ۱۴۱۴ق، ص ۳۰۹؛ متقی هندی، بی تا، ج ۱۳، ص ۴۵۹؛ مناوی، فیض القدير شرح الجامع الصغير، ج ۲، ص ۵۴۸؛ عجلونی جراحی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۱۹۲؛ مجاهد، بی تا، ج ۱، ص ۱۰ و ۱۹ و ۲۰؛ سفیان ثوری، بی تا، ص ۵؛ نخاس، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۳۵۴؛ راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۵۵؛ قرطبی، ۱۴۰۵ق، ج ۴، ص ۱۸؛ ابن قیم جوزی، ۱۴۰۶ق، ص ۲۲؛ ابن کثیر دمشقی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۱۶ و ۳۵۵؛ زرکشی، ۱۳۷۶ق، ج ۲، ص ۱۶۰؛ ثعالبی مالکی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۵۶ و ۱۴۱؛ کردی، خطاط، ۱۳۶۵ق، ص ۱۸؛ ابن سعد، بی تا، ج ۲، ص ۳۶۵؛ خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۸۵؛ ج ۱۴، ص ۴۳۵؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۶۹، ص ۱۷۱؛ ذهبی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۳۳۷ و ۳۳۹؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۲۴۴؛ همو، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۸۹؛ ج ۴، ص ۱۲۴؛ ابن کثیر دمشقی، ۱۴۰۸ق، ج ۶، ص ۱۸۳؛ ج ۸، ص ۳۲۶ و ۳۲۷؛ مبارکفوری، ۱۴۱۰ق، ج ۸، ص ۲۲۶ و ۲۰۸.

به دلیل گستره دانشی که داشته، وی را «حبر الأمة»^۱، «بحر» (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۲۴۲؛ مزّی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۲۴۱؛ ذهبی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۳۳۱)، «ترجمان القرآن» (أحمد بن حنبل، پیشین، ص ۲۳؛ نسائی، پیشین، ج ۵، ص ۵۱؛ مبارکفوری، پیشین، ج ۱، ص ۳۸۴؛ ج ۹، ص ۹۱؛ حاجی خلیفه، پیشین، ج ۱، ص ۴۲۹)، «إمام التفسیر» (ذهبی، پیشین، ج ۳، ص ۳۳۱)، «رئيس المفسّرين» (حاجی خلیفه، پیشین) و «فقيه العصر» (ذهبی، پیشین) نامیده‌اند.

ابن عباس درباره گستره میراثی که رسول خدا ﷺ نزد امیر مؤمنان امام علی علیه السلام نهاده می‌گوید: «كُنَّا نَتَحَدَّثُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَهَدَ إِلَى عَلِيٍّ كَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ سَبْعِينَ عَهْدًا لَمْ يَعْهَدْهُ إِلَى غَيْرِهِ؛ مَا فِي هَذَا مِنْ بَرٍّ إِلَّا كَانَ مِنْهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ هَفَاتِدَ بِيَمَانٍ رَأَى نَزْدَ عَلِيٍّ كَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ بِهِ وَدِيْعَهُ نَهَادَ، بِهَ گونِه‌ای که نزد هیچ کس جز او به ودیعه نهاده است»^۲.

نیز ابن عباس، درباره سرچشمه دانش رسول خدا ﷺ، امام علی علیه السلام و خودش - از یک سو - و مقایسه دانش خود و صحابه، با دانش امام علی علیه السلام - از دیگر سو - می‌گوید:

«عِلْمُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مِنْ عِلْمِ اللَّهِ وَعِلْمُ عَلِيٍّ مِنْ عِلْمِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَعِلْمِي مِنْ عِلْمِ عَلِيٍّ وَ مَا عِلْمِي وَ عِلْمُ الصَّحَابَةِ فِي عِلْمِ عَلِيٍّ إِلَّا كَقَطْرَةٍ فِي سَبْعَةِ أَمْحُورٍ؛ دَانِشِ پِیَاْمِبرِ ﷺ از دَانِشِ خِداوَنَد و دَانِشِ عَلِی از دَانِشِ پِیَاْمِبرِ ﷺ و دَانِشِ مِنْ از دَانِشِ عَلِی اُسْت و [لی] دَانِشِ مِنْ و دَانِشِ [هَمّه] صَحَابِه، در برابر دانش علی، چیزی جز قطره‌ای در هفت اقیانوس نیست»^۳.

۱- أحمد بن حنبل، فضائل الصحابة: ص ۲۳؛ نووی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۵؛ مبارکفوری، پیشین، ج ۱، ص ۳۸۴؛ ج ۹، ص ۹۱؛ عظیم‌آبادی، ۱۴۱۵ق، ج ۶، ص ۱۹۹؛ ابن راهویه، پیشین، ج ۲، ص ۴۸؛ نسائی، ۱۴۱۱ق، ج ۵، ص ۵۱؛ ألبانی، ۱۴۰۹ق، ص ۳۱۷؛ حاکم حسکانی، پیشین، ج ۱، ص ۲۱؛ قرطبی، پیشین، ج ۴، ص ۱۴۱؛ ابن عساکر، پیشین، ج ۵۳، ص ۳۱۱؛ ذهبی، پیشین، ج ۳، ص ۳۳۱؛ مزّی، پیشین، ج ۱، ص ۲۴۱؛ حاجی خلیفه، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۲۹.

۲- مناوی، فیض القدير شرح الجامع الصغير، ج ۳، ص ۶۰ (مناوی می‌گوید: و الأخبار فی هذا الباب لاتکاد تحصی)؛ ج ۴، ص ۴۷۱؛ هبشی، پیشین، ج ۹، ص ۱۱۳؛ ضحاک، ۱۴۱۱ق، ص ۵۵۰؛ طبرانی لخمی، المعجم الصغير: ج ۲، ص ۶۹؛ أحمد بن صدیق مغربی، بی‌تا، ص ۶۹؛ حاکم حسکانی، پیشین، ج ۱، ص ۴۳۴؛ ابن عساکر، پیشین، ج ۴۲، ص ۳۹۱؛ مزّی، پیشین، ج ۲، ص ۳۱۱؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۱۷۳؛ أبونعیم إصبهانی، ۱۹۳۴م، ج ۲، ص ۲۵۵؛ قندوزی حنفی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۲۳۳.

۳- قندوزی حنفی، پیشین، ج ۱، ص ۲۱۵ و ۲۱۶. نیز رک: حویزی عروسی، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۹۰، ص ۷۴ (امام صادق علیه السلام درباره علم کسی که خداوند درباره او فرمود: «قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ» [نمل/۴۰] می‌فرماید: «قادر قطرة من الماء في البحر الأخضر، فما يكون ذلك من علم»). نیز رک: پیشین، ج ۴، ص ۸۹ و ۹۰، ش ۷۲.

او که خود، معروف به «ترجمان القرآن»، «إمام التفسير» و «رئيس المفسرين» است؛ دربارهٔ سرچشمهٔ دانش تفسیر خویش، این گونه اعتراف می‌کند:

«ما أخذتُ من تفسیرِ فعن علیٍّ؛ هر آن چه از تفسیر فرا گرفتم، همه‌اش علی است»^۱.

نیز می‌گوید:

«قرأتُ علیَّ رسولَ الله ﷺ سبعینَ سورةً و ختمتُ القرآنَ علیَّ خیرِ الناسِ علیَّ بنِ أبی طالب؛ هفتاد سوره را نزد رسول خدا ﷺ قرائت کردم، و [همه] قرآن را نزد بهترین مردم علی بن ابی‌طالب ختم کردم» (إربلی، پیشین، ج ۱، ص ۱۱۵).

حاکم حسکانی، با ذکر سند، از طارق بن شهاب نقل می‌کند که گفت: «نزد عبدالله بن عباس بودم که تعدادی از [پسران] مهاجرین آمدند و به او گفتند: ای پسر عباس! علی بن ابی‌طالب چگونه مردی بود؟ گفت:

مُلِیَّ جَوْفِهِ حُكْمًا و عِلْمًا و بَأْسًا و نَجْدَةً و قَرَابَةً من رسول الله: باطن او از حکمت، دانش، قدرت، ابهت و نزدیکی به رسول خدا ﷺ سرشار بود»^۲.

سعید بن عمرو بن عاص می‌گوید: «به عبدالله بن عباس گفتم: عمو جانم! چرا مردم به علی گرایش پیدا کرده بودند؟ گفت: یابن أخی، إِنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ كان له ما شئت من ضرر قاطع في العلم و كان له البسطة في العشرة، و القدم في الإسلام، و الصَّهْرُ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، و الفقه في السنّة، و النجدة في الحرب، و الجود بالماعون؛ ای برادرزاده‌ام! همانا علی علیه السلام، هر اندازه از قطعیت در دانش را که بخواهی داشت، و جایگاهی ویژه نزد بستگان، تقدم در اسلام، دامادی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، شناخت عمیق از سنت، شجاعت در نبرد و بخشش نسبت به نیازمندی‌های مردم داشت»^۳.

۱- قرطبی، پیشین، ج ۱، ص ۳۵؛ مناوی، پیشین، ج ۴، ص ۴۷۰؛ ثعالبی، پیشین، ج ۱، ص ۱۴۰. نیز، رک: ابن جبر، نهج الإيمان، ص ۲۷۴ (با این لفظ: «جل ما تعلّمت من التفسير من علی بن ابی طالب»).

۲- حاکم حسکانی، پیشین، ج ۱، ص ۱۳۹؛ قرطبی، پیشین، ج ۱، ص ۳۵؛ مناوی، پیشین، ج ۴، ص ۴۷۰؛ ابن‌دمشقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۹۴ (با این لفظ: «كان ملئ جوفه علماً و حکماً و بأساً و نجدة مع قرابته من رسول الله صلی الله علیه و سلم»); أحمد بن صدیق مغربی، پیشین، ص ۷۲.

۳- علوی، بی‌تا، ص ۱۷؛ أحمد بن صدیق مغربی، پیشین، ص ۷۴ (و قول سعید بن عمرو بن العاص لم كان صغو الناس إلى علی مما فيه الأخبار بأن الجميع كان يرجع إليه لشهرته بالعلم بينهم); ابن‌اثیر، پیشین، ج ۴، ص ۲۲؛ ابن‌عساکر، پیشین، ج ۴۲، ص ۴۱۷ (با اختلاف در ألفاظ).

از ابن عباس نقل کرده‌اند که می‌گوید:

«العلم عشرة أجزاء أُعطيَ عليُّ بنُ أبي طالبٍ منها تسعةٌ، و الجزءُ العاشرُ بينَ جميعِ الناس؛ و هو بذلك الجزءُ أعلمُ منهم؛ دانش ده جزء است که نه جزء از آن به علی بن ابی طالب داده شده و جزء دهم در میان مردم [تقسیم شده] است؛ و [باز هم] او نسبت به آن یک جزء، داناتر از آنان است»^۱.
و می‌گوید:

«و الله لقد أُعطيَ عليُّ بنُ أبي طالبٍ تسعةَ أعشارِ العلمِ و أيمُ الله لقد شارَككم في العشرِ العاشرِ: به خدا سوگند، نهم از دانش به علی بن ابی طالب داده شده و به خدا سوگند که در آن یک‌دهم نیز با شما مشارکت کرده است»^۲.

نیز می‌گوید:

«العلمُ ستّةُ أسداسٍ و لعلیٌّ من ذلك خمسةُ أسداسٍ و للنّاسِ سدسٌ و لقد شارَكنا في سدسنا حتّى لهُوَ أعلمُ به منّا؛ دانش، شش جزء است و بهره‌ای از آن، پنج‌ششم، و بهره‌ای از آن یک‌ششم است و همانا در آن یک جزء نیز با ما مشارکت کرده، به گونه‌ای که نسبت به آن یک جزء نیز بی‌تردید داناتر از ما است»^۳.

هم‌چنین می‌گوید:

«قسّمَ علمُ الناسِ خمسةَ أجزاءٍ فكانَ لعلیٍّ منها أربعةُ أجزاءٍ و لسائرِ الناسِ جزءٌ و شارَكهم علیٌّ فی الجزءِ فكانَ أعلمُ به منهم؛ دانش مردم به پنج جزء تقسیم شده و بهره‌ای از آن، چهار جزء، و بهره‌ای سایر مردم، یک جزء است و علی در آن یک جزء با آنان مشارکت نموده و در آن نیز داناتر از آنان است» (ابن‌عساکر، پیشین، ج ۴۲، ص ۴۰۷).

ابن‌عساکر، با إسناد خویش از ابن‌عباس نقل می‌کند که گفت:

۱- حاکم حسکانی، پیشین، ج ۱، ص ۱۱۰؛ قندوزی حنفی، پیشین، ج ۱، ص ۲۱۶ (با این لفظ: «العلم عشرة أجزاء، لعلی تسعة أجزاء و للناس عشر الباقي و هو أعلمهم به».)

۲- حاکم حسکانی، پیشین؛ إربلی، پیشین، ج ۱، ص ۱۱۴؛ ابن‌اثیر، پیشین؛ بری، ۱۴۰۲ق، ص ۷۲؛ ابن‌دمشقی، پیشین، ج ۱، ص ۱۹۴ (با این لفظ: «...شارکهم...»); أحمد بن صديق مغربي، پیشین، ص ۷۲.

۳- زرنندی حنفی، ۱۳۷۷ق، ص ۱۲۸؛ إربلی، پیشین، ج ۱، ص ۱۱۵؛ صالحی شامی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ص ۲۸۹ (با این لفظ: «أعطى علي تسعة أعشار العلم، و والله لقد شارکهم فی العشر الباقي»); قندوزی حنفی، پیشین، ج ۱، ص ۲۱۳؛ ج ۳، ص ۲۱۰ و ۲۲۱ (با این لفظ: «أعطى الامام على رضى الله عنه تسعة أعشار العلم و إنه لأعلمهم بالعشر الباقي»); ج ۲، ص ۱۷۱ و ج ۳، ص ۱۴۴.

يَعْرِفُ الْفَضْلَ لِأَهْلِ الْفَضْلِ إِلَّا ذُو الْفَضْلِ؛ از ابن عباس نقل می کنند هنگامی که حسن و حسین از نزد او می رفته اند، رکاب ایشان را نگه داشته است، یکی از کسانی که نزد ابن عباس بوده، به وی می گوید: آیا تو رکاب این دو جوان را می گیری در حالی که سن تو از آنان بیشتر است؟ ابن عباس به وی می گوید: ساکت باش ای جاهل! فضیلت را برای اهل فضیلت، تنها صاحب فضیلت می شناسد.^۱

جمع بندی و نتیجه گیری

- از آن چه در این نوشتار بیان شد، مطالب و نتایج زیر به دست می آید:
- ۱- ابن عباس، دانشمندی بزرگ و مفسری عالی مقام است و جایگاهی ویژه نزد رسول خدا ﷺ، اهل بیت رسول خدا ﷺ - به ویژه امام علی ﷺ - و مسلمانان دارد؛
 - ۲- با توجه به اعتراف ابن عباس و با استناد به منابع معتبر نزد اهل سنت، بزرگترین استاد وی پس از رسول خدا ﷺ، امیرمؤمنان امام علی ﷺ بوده است؛
 - ۳- ابن عساکر، ابن سعد، ابن حجر، ابن اثیر، مزّی و دیگران، از ابن عباس نقل کرده اند که وی و سایر صحابه، هر گاه قضاوت یا فتوایی از امام علی ﷺ به دستشان می رسید، با دیده تکریم و اعتبار به آن می نگریستند و به سراغ دیگران نمی رفتند. این دیدگاه صحابه، نشان دهنده گستره مرجعیت علمی و اعتبار سنت امیر مؤمنان ﷺ نزد ایشان است.
 - ۴- با تصریح ابن عباس به فراگیری همه تفسیرها از امیرمؤمنان ﷺ و ختم همه قرآن نزد آن حضرت، آیا باز هم می توان ادعا کرد «این سخن که ابن عباس شاگرد علی است، باطل است»؟! نتیجه آن که: نظریه ابن تیمیّه مبنی بر انکار شاگردی ابن عباس نزد امام علی ﷺ، به دلیل تعارض با مسلمات روایی و تاریخی، پذیرفتنی نبوده و قابل نقد می باشد؛ بلکه با استناد به منابع معتبر نزد اهل سنت، این مطلب استفاده می شود که بزرگترین استاد ابن عباس پس از رسول خدا ﷺ، امیر مؤمنان امام علی ﷺ است.

منابع و مآخذ

۱- قرآن کریم.

۱- ر.ک: خطیب بغدادی، پیشین، ج ۱۴، ص ۱۵۵ و ۱۵۶. این ماجرا را ابن شهر آشوب در «مناقب آل ابی طالب»، ج ۳، ص ۱۶۸ و مجلسی در «بحار الأنوار»، ج ۴۳، ص ۳۱۹ با ألفاظ گوناگون آورده اند. نیز ر.ک: ابن کثیر، پیشین، ج ۸، ص ۴۱ و ۴۲؛ صالحی شامی، پیشین، ج ۱۱، ص ۷۰.

- ۲- ابن أبی شبیه کوفی، المصنّف، تحقیق: سعید محمّد اللحام، دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۹ق.
- ۳- ابن أثیر، عزّالدين أبوالحسن علیّ بن أبی الکرّم محمّد بن محمّد بن کریم بن عبدالواحد شیبانی، أسد الغابة فی معرفة الصحابة، إسماعيلیان، تهران، بی تا.
- ۴- ابن تیمیه حرّانی، منهاج السنّة النبویّة فی نقض کلام الشیعة و القدریّة (منهاج الاعتدال فی نقض کلام أهل الرّفص و الاعتزال)، تحشیه و تخريج: عبدالله محمود محمّد عمر، دارالکتب العلمیّه، بیروت، ۱۴۲۰ ق.
- ۵- ابن حبان، محمّد بن حبان بن أحمد أبوحاتم تیمیمی بُستی، علاءالدين علی بن بلبان الفارسی، صحیح بن حبان بترتیب ابن بلبان، تحقیق: نشیب الأرنؤوط، مؤسسه الرساله، بیروت، ۱۴۱۴ق.
- ۶- ابن حجر عسقلانی، تهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۴ق.
- ۷- _____، الإصابة فی تمییز الصحابة، تحقیق: شیخ عادل أحمد عبدال موجود، دارالکتب العلمیّه، بیروت، ۱۴۱۵ق.
- ۸- ابن دمشقی، شمسالدين أبوالبرکات محمّد بن أحمد دمشقی باعونی شافعی، جواهر المطالب فی مناقب الإمام علیّ بن أبی طالب علیه السلام، تحقیق: علامه شیخ محمّد باقر محمودی، مجمع إحياء الثقافة الإسلامیّه، قم، ۱۴۱۵ق.
- ۹- ابن راهویه، إسحاق بن إبراهيم بن مخلد حنطلی مروزی، مسند ابن راهویه، تحقیق: دکتر عبدالغفور عبدالحق حسین بردالبوسی، مكتبة الإيمان، مدينه منوره، ۱۴۲۲ق.
- ۱۰- ابن سعد، الطبقات الکبری، دار صادر، بیروت، بی تا.
- ۱۱- ابن شهر آشوب، مناقب آل أبی طالب، تحقیق: لجنة من أساتذة النجف الأشرف، الجیدریه، نجف، ۱۳۷۶ق.
- ۱۲- ابن عساکر، تاریخ مدينه دمشق، تحقیق: علی شیری، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۵ق.
- ۱۳- ابن قیّم جوزی، شمسالدين محمّد بن أبی بکر ذرعی دمشقی، الأمثال فی القرآن الکریم، مكتبة الصحابه، بطنطا، ۱۴۰۶ق.
- ۱۴- ابن کثیر دمشقی، حافظ أبوالفداء إسماعیل بن کثیر، البدايه و النهايه، تحقیق: علی شیری، دار إحياء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۸ق.
- ۱۵- أبونعیم إصفهانی، أحمد بن عبدالله، ذکر أخبار إصبهان، چاپ: بریل، ۱۹۳۴م.

- ١٦- أحمد بن صديق مغربي، فتح الملك العلي بصحة حديث باب مدينة العلم على علي عليه السلام، تحقيق: محمد هادي أميني، مكتبة أمير المؤمنين، اصفهان، بی تا.
- ١٧- أحمد بن حنبل، مسند أحمد، دارصادر، بيروت، بی تا.
- ١٨- _____، فضائل الصحابة، دارالكتب العلمية، بيروت، بی تا.
- ١٩- إربلي، علي بن عيسى بن أبي الفتح، كشف الغمة في معرفة الأئمة، دارالأضواء، بيروت، چاپ دوم، ١٤٠٥ق.
- ٢٠- ألباني، محمد ناصر الدين، تمام المنة. (تمام المنة في التعليق على «فقه السنة»، المكتبة الإسلامية، دار الراية، عمان - رياض، چاپ سوم، ١٤٠٩ق.
- ٢١- بری، محمد بن أبی بکر أنصاری تاهسانی، الجوهرة في نسب الإمام علي و آله، تحقيق: دكتور محمد تونجي، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بيروت، ١٤٠٢ق.
- ٢٢- ثعالبی مالکی، عبدالرحمن بن محمد بن مخلوف أبوزيد، تفسير الثعالبی معروف به: الجواهر الحسان في تفسير القرآن، تحقيق: دكتور عبدالفتاح أبوسنة - شيخ علي محمد معوض - شيخ عادل أحمد عبدالموجود، دار إحياء التراث العربي، بيروت، ١٤١٨ق.
- ٢٣- حاجي خليفه، كشف الظنون عن أسامي الكتب و الفنون، دارإحياء التراث العربي، بيروت، بی تا.
- ٢٤- حاكم حسانی، عبيدالله بن أحمد، شواهد التنزيل لقواعد التفضيل في الآيات النازلة في أهل البيت، تحقيق: شيخ محمد باقر محمودی، مجمع إحياء الثقافة الإسلامية (التابعة لوزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامي)، ١٤١١ق.
- ٢٥- حاكم نيشابوري، محمد بن محمد، المستدرک على الصحيحين، تحقيق: دكتور يوسف مرعشلي، دارالمعرفة، بيروت، ١٤٠٦ق.
- ٢٦- حويزي عروسي، عبد علي بن جمعه، تفسير نور الثقلين، تحقيق: سيدهاشم رسولي محلاتي، إسماعيليان، قم، چاپ چهارم، ١٤١٢ق.
- ٢٧- خطيب بغدادی، أبوبكر أحمد بن علي، تاريخ بغداد أو مدينة السلام، تحقيق: مصطفى عبدالقادر عطا، دارالكتب العلمي، بيروت، ١٤١٧ق.
- ٢٨- ذهبي، أبوعبدالله شمس الدين محمد بن أحمد، سير أعلام النبلاء، تحقيق: شعيب الأرنؤوط - حسن الأسد، مؤسسة الرسالة، بيروت، چاپ پنجم، ١٤١٣ق.
- ٢٩- راغب اصفهاني، المفردات في غريب القرآن، دفتر نشر الكتاب، ١٤٠٤ق.

- ۳۰- روحانی، سیّد محمد، توضیح المسائل، بی نا، بی جا، بی تا.
- ۳۱- زرکشی، بدرالدین محمد بن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، تحقیق: محمد أبو الفضل إبراهیم، دار احیاء الکتب العربیّه، قاهره، ۱۳۷۶ ق.
- ۳۲- زرندی حنفی، جمال الدین محمد بن یوسف بن حسن بن محمد، نظم دُرر السمطین فی فضائل المصطفی و المرتضی و البتول و السبطین، چاپ: از مخطوطات کتابخانه عمومی امام امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۳۷۷ ق.
- ۳۳- سفیان ثوری، أبوعبدالله سفیان بن سعید بن مسروق ثوری کوفی، تفسیر سفیان الثوری. تحقیق: لجنة من العلماء، دارالکتب العلمیّه، بیروت، بی تا.
- ۳۴- صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و الرشاد (سبل الهدی فی سیره خیر العباد). تحقیق: عادل أحمد عبدالموجود، دارالکتب العلمیّه، بیروت، ۱۴۱۴ ق.
- ۳۵- ضحاک، عمرو بن أبی عاصم، الأحاد و المثانی، تحقیق: باسم فیصل أحمد الجوابره، دارالدرايه، ۱۴۱۱ ق.
- ۳۶- _____، کتاب السنّه، تحقیق: محمد ناصرالدین البانی، المکتب الإسلامی، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۱۳ ق.
- ۳۷- طبرانی لخمی، سلیمان بن أحمد بن آیوب، المعجم الکبیر، تحقیق: حمدي عبدالمجید السلفی، مکتبه ابن تیمیّه، قاهره، چاپ دوم، بی تا.
- ۳۸- _____، المعجم الأوسط، تحقیق: إبراهیم حسینی، دار الحرمین، بی تا.
- ۳۹- _____، المعجم الصغیر، دارالکتب العلمیّه، بیروت، بی تا.
- ۴۰- عجلونی جراحی، إسماعیل بن محمد، کشف الخفاء و مزیل الالباس، دارالکتب العلمیّه، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۸ ق.
- ۴۱- عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود شرح سنن أبی داود، دارالکتب العلمیّه، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۱۵ ق.
- ۴۲- علوی، سیّدعلی بن محمد، دفع الارتیاب عن حدیث الباب، دار القرآن الکریم، بی تا.
- ۴۳- قرطبی، أبوعبدالله محمد بن أحمد أنصاری، الجامع لأحكام القرآن (تفسیر القرطبی)، مؤسسه التاریخ العربی، بیروت، ۱۴۰۵ ق.

- ۴۴- قندوزی حنفی، سلیمان بن إبراهیم، ینابیع المودّة لذوی القربی، تحقیق: سیّد علی جمال اشرف حسینی، دارالأسوه، ۱۴۱۶ق.
- ۴۵- کردی خطاط، محمّد طاهر، تاریخ القرآن الکریم، مصطفی محمّد یغمور، مکّه، ۱۳۶۵ق.
- ۴۶- مبارکفوری، تحفة الأخوذی فی شرح الترمذی، دارالکتب العلمیّه، بیروت، ۱۴۱۰ق.
- ۴۷- متّقی هندی، کنز العمال، تحقیق: شیخ بکری حیانی، شیخ صفوة الصفا، مؤسّسة الرسالة، بیروت، بی تا.
- ۴۸- مجاهد بن جبر تابعی مکی مخزومی، ابن المصباح، تفسیر مجاهد، تحقیق: عبدالرحمن طاهر بن محمّد سورتی، مجمع البحوث الإسلامیّه، اسلام آباد، بی تا.
- ۴۹- محمّد بن عبدالوهاب، المسائل التي لخصها شيخ الإسلام محمّد بن عبدالوهاب من فتاوى ابن تيمیّه، دار عالم الکتب، ریاض، ۱۴۰۸ق.
- ۵۰- مزّی، أبوالحجاج یوسف، تهذیب الکمال. تحقیق: دکتر بشار عوّاد معروف، مؤسّسة الرسالة، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۰۸ق.
- ۵۱- نحّاس، أبوجعفر، معانی القرآن، تحقیق: شیخ محمّد علی صابونی، جامعة أمّ القرى، عربستان، ۱۴۰۹ق.
- ۵۲- نسائی، أبوعبدالرحمن أحمد بن شعيب، السنن الكبرى، تحقیق: دکتر عبدالغفار سلیمان البنداری - سیّد کسروی حسن، دارالکتب العلمیّه، بیروت، ۱۴۱۱ق.
- ۵۳- نووی، محیی الدین أبودکریا یحیی بن شرف، الأذکار النوویّة، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴ق.
- ۵۴- _____، صحیح مسلم بشرح النووی، دارالکتب العربی، بیروت، ۱۴۰۷ق.
- ۵۵- هیثمی، نورالدین علی بن أبی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العلمیّه، بیروت، ۱۴۰۸ق.
- ۵۶- _____، بغیة الباحث عن زوائد مسند الحارث، تحقیق: مسعد عبدالحمید محمّد سعدنی، دارالطلائع، بی تا.

